

کالای با گیاهان صحبت می‌گند

-  Ursula Nafula
-  Jesse Pietersen
-  Marzieh Mohammadian Haghghi
-  2
-  فارسی fa

اين گلای آست. او هفت ندل سِن دارَد. دَر زَین لَبْجَوْسو كَه زَین او می‌بَشَد مَعْدِي إِسْمَش - دُخَّتِرِ خَوب - آست.

کلای هَر روز صُبح کِه بیدار می شَوَدْجِ دِرَختِ پُرِتَّقلِ صُحبَت
می گَنَد. دِرَختِ پُرِتَّقلِ لُطَفَه، حِلَبَیِ رُشَدَ کُن وَ بِه هُرِتَّقلِ هِی
رسِیدهِ خوبِ بِدِه.

کلای ڈ مَدِرِسَه راه می رَوَد. دَر راہِ ھَ عَلَف ھَ صُحبَت می گُنَد. عَلَف
ھ، لُطَھَ بیشَتَر رُشد گُنَید وَ سَبَز شَوَید وَ خُشَک نَشَوَید.

کلای از ڪِلرِ گُل هی وَحشی رَد می شَوَد. گُلھی وَحشی لُطَه، مُرَتب
شِکوِفہ بِزَنید کِه مَن ٻِتَوانَم شَه را دَر موھیم قَرار دَهَم.

در مَدْرِسَه، گلای بِدِرَختی کِه در وَسَطِ حَيَّط بود صُحبَت گَرد.
”درَخت لُطْفَه، نَلَخِه هِي بُزُرگ بِرَوَيْن لَه بِتَوانِيم زِير لَهِيهِي تو
درَس بِخواهِيْم.“

کلای بِ حِضْرِ اَطْرَافِ مَدِرِسَهِ صُحْبَتْ می گُنَّد. ”لُطْهَهُ مُحَكَّمٌ وَ قَوِیٌّ
رُشِدٌ گُنَّ وَ جَلْوِی وَارِدٌ شُدَنِ اَفْرَادٍ بَدْ را بِكِير.“

وقتى كلاي از مدرسه بـه ذـنه برگشت، درخت پـرـتـهـل را دـید. كـلاـي
پـرسـيد، “ليـاـ پـرـتـهـلـ هـيـتـ هـنـوزـ نـرـسـيـدـ ؟ ”

كلاي آهي كشيد و گفت، ”پر تقل ه نوز سبز هستند.“ كلاي گفت،
”فردا تو را خواهم دید درخت پر تقل.“ ”لديد بعد تو پك پر تقل
رسيده براي من داشته بشى!“



Global Storybooks

globalstorybooks.net

کالای با گیاهان صحبت می‌کند

✎ Ursula Nafula

✉ Jesse Pietersen

☞ Marzieh Mohammadian Haghghi

